

# تاریخ یک نبرد

## چگونه سنگسار در ایران پایان یافت؟

متن ویرایش شده میزگرد کانال جدید با مینا احدی و اصغر کریمی  
بمناسبت ۱۱ ژوئیه روز جهانی مبارزه علیه سنگسار است



کیوان جاوید



اصغر کریمی



مینا احدی

ایران اتفاق افتاد، صحبت کرد و آن هم این است که جمهوری اسلامی بعد از یک انقلاب سر کار آمد و با یک نسل مواجه بود. یک نسل انقلابی، نسل جوانی که سر به آسمان می زد، نسلی که یک حکومت دیکتاتوری را فراری داده بود. مردم فکر نمی کردند که شاه با آن همه عظمتش، دیکتاتوری ای که اعمال می کرد، و آن ساواک ترسناکش، روزی عکسش را روزنامه ها چاپ کنند که با خفت و خواری ایران را ترک می کند. این اتفاق افتاده بود و نسلی که به خیابان آمده بود و حکومت پهلوی را سرنگون کرده بود می خواست که یک زندگی بهتر، یک دنیای دیگری، یک شرایط دیگری را در ایران شکل بدهد.

علیه سنگسار شروع شد و میتوان گفت که به فرجام رسید موضوع میزگرد امروز با مینا احدی سازمانده و سازنده کمیته بین المللی علیه سنگسار و اصغر کریمی، هر دو از رهبری حزب کمونیست کارگری ایران. به برنامه میزگرد این هفته خوش آمدید.

اولین قربانیان سنگسار یکی دو سال پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی است. چطور شد کسانی به سنگسار محکوم شدند و این احکام اجرا شد. چه هدفی پشت این ماجرا خوابیده بود؟ **مینا احدی:** من فکر می کنم اول باید درباره یک موضوع بسیار مهم که در

**کیوان جاوید:** روز جهانی علیه سنگسار و توحش اسلامی. دنیا باید بیشتر به این فکر کند که چه شد و در چه شرایطی در جامعه ای مثل ایران بعد از انقلاب برای پایان دادن به دیکتاتوری و برای آزادی و برابری یک حکومتی سر کار میاید که آدم ها را به جرم رابطه جنسی خارج از ازدواج سنگسار میکنند. سنگ هایی نه بزرگ که درجا بکشد و نه زیاد کوچک که نکشد. این توحش از کجا آمد که در ایران صدها نفر به سنگسار محکوم شدند و سنگسار شدند. اسامی ۲۱ نفر از آنها را داریم. ولی آنچه در ایران اتفاق افتاد و مبارزه ای که

### ترجمه سخنرانی مینا احدی در دانشگاه ساوثپائولو در برزیل

صفحه ۱۱

ادامه در صفحه ۲



مینا احدی مسئول کمیته بین المللی علیه سنگسار

**بیانیه**  
**۲۸ اوت ۲۰۱۰**  
**صد شهر**  
**جهان علیه**  
**سنگسار!**

صفحه ۱۰

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

ضمیمه شماره 823

پنجشنبه 20 تیر 1398، 11 ژوئیه 2019

یادداشت سردبیر

### در باره اهمیت مبارزه برای لغو مجازات سنگسار خلیل کیوان



به واقعیت تکان دهنده ای جلب شد؛ مجازات قرون وسطائی سنگسار! بواسطه این فعالیت ها نه فقط تعدادی از محکومین به مجازات سنگسار نجات یافتند بلکه حقایق بیشتری در باره زندگی تحت حکومت اسلامی نمایان تر شد، ابعاد بی حقوقی زن در ایران بر پرده افتاد، تر نسبت فرهنگی رسوا تر شد و در نتیجه آن، حمایت از مبارزات مردم ایران و بویژه حمایت از

فعالیت علیه مجازات وحشیانه سنگسار در ایران از سال ۱۹۹۰ میلادی توسط مینا احدی کلید خورد. وی با تشکیل کمیته بین المللی علیه سنگسار یکی از ضد انسانی ترین مجازات های حکومت ضد زن اسلامی را نشانه گرفت. او از این طریق نه فقط به حمایت زنانی که در خطر این مجازات قرار میگرفتند شتافت بلکه از این طریق توجه بسیاری در جهان را به ابعاد فاجعه زن بودن در ایران تحت حکومت اسلامی و زندگی تحت قوانین ضد انسانی آن زیر نور افکن قرار داد. در طی یک دهه فعالیت کمیته بین المللی علیه سنگسار بسیاری در سراسر جهان توجه شان

ادامه در صفحه ۱۰



پاریس - میتینگ علیه سنگسار ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۰

از صفحه ۱

## تاریخ یک نبرد

جمهوری اسلامی سر کار آمد و شرایط ویژه سیاسی و اجتماعی و بین المللی ای باعث شد که اسلامی ها در ایران قدرت را بگیرند. ما پیشتر در این باره صحبت کرده ایم. ولی وقتی اینها به قدرت رسیدند خیابانها هنوز شلوغ بودند و مردم هنوز ساکت نبودند. این حکومت برای ساکت کردن مردم، برای سرکوب انقلاب، اولین حرکتی که کرد حمله به زنان بود. به نظرم تحلیلشان این بود که بقیه مردم از آنها دفاع نمی کنند، و سمبلشان حجاب بود. گفتند یا روسری یا توسری. طبعاً در مقابلشان اعتراض بود، ولی به هرحال اول به زنان تعرض کردند. وقتی زنان معترض به خیابان آمدند و تعدادی از مردان هم از آنها حمایت کردند و در عین حال در شهرهای مختلف اعتصابات کارگری و در کردستان و ترکمن صحرا و غیره انقلاب هم ادامه پیدا کرد، جمهوری اسلامی اقدام به سنگسار زنان کرد. این پدیده بسیار عجیبی در ایران بود. من خودم وقتی اولین بار این خبر را شنیدم از مادربزرگم پرسیدم چگونه یک زن را سنگسار میکنند، چیزی درباره آن نمی دانست و گفت که در شهر کوچک آنها از صد سال پیش تا آن زمان کسی سنگسار نشده بود.

جمهوری اسلامی سنگسار را آغاز کرد تا به مردم نشان بدهد که اگر تمکین نکنند، اگر کنار نیابند، زنده به گور و تکه تکه شان می کنند. ما همواره گفته ایم که داعش در ایران اینطور شروع به حرکت و نفس کشیدن و زندگی کرد. به این معنا به نظر من سنگسار بسیار مهم بود. مهم

بود چراکه زنان را به اتهام رابطه خارج از ازدواج، جلوی چشم جامعه تکه پاره می کردند؛ مهم بود چون کسی که به آن نگاه می کرد وحشت زده می شد؛ مهم بود چون کل جامعه با سکوت و وحشت می نگرست و از خود می پرسید که چه اتفاقی دارد می افتد؟ و به نظر من این یک عامل مهم در سرکوب و پس راندن اعتراضات مردم بود و به این معنا برای ما هم مقابله با سنگسار اهمیت ویژه ای داشت.

**کیوان جاوید:** شما نکته ای دارید اصغر کریمی؟  
اصغر کریمی: با سلام به شما و مینا احدی عزیز و بینندگان عزیز کانال جدید. مینا احدی به نکته خوبی اشاره کرد که جمهوری اسلامی آمده بود میخواست حکومت اسلامی برقرار کند در مقابل جامعه ای که فرهنگش اساساً اسلامی نبود. جامعه ای با فرهنگ شهری، مردمی که روزبروز آگاهی سیاسی بیشتری پیدا میکردند، مدرن بودند، حجاب نمیخواستند، حجاب و مذهب داشت پس زده میشد، زنان خواهان برابری بودند، در چنین جامعه ای روشن است که جمهوری اسلامی نمیتوانست به سادگی قوانین اسلامی را پیاده کند و بگوید همه باید تمکین کنند. در نتیجه با خشن ترین شیوه ها یعنی با اسید و پونز و زندان و شکنجه و قانون شروع به سرکوب زنان کرد تا حکومت خود را مستقر کند. یکی از این وحشیگری ها سنگسار بود. هرچند نتوانست هزاران نفر را سنگسار کند اما یک موردش کافی بود که ترس ایجاد کند و زن فکر کند اگر قوانین اسلامی را رعایت نکند با چه وحشیگری مرا تکه پاره میکنند و این پیامی بود که جمهوری اسلامی به

جامعه میداد که ما این هستیم، این حکومت اسلامی است و باید مطیع این قوانین شوید و اینطور حکومت اسلامی شروع شد.

**کیوان جاوید:** مینا احدی گفت در شروع سنگسارها جامعه با سکوت و وحشت به این مساله برخورد کرد. آیا این سکوت معنایش این نبود که مردم با فرهنگ اسلامی سازگار بودند که جمهوری اسلامی هم توانست آترا عملی کند؟

**اصغر کریمی:** مطلقاً بحث سازگاری با فرهنگ مردم نبود. فقط سه هفته پس از سر کار آمدن جمهوری اسلامی، تظاهرات دهها هزار نفره در تهران به مناسبت روز جهانی زن انجام شد که گفتند نمیخواهیم به عقب برگردیم، حقوق زن جهانشمول است، حجاب اجباری قبول نمیکنیم، ایستادند و چندین سال طول کشید که جمهوری اسلامی توانست حجاب اجباری را رسماً قانونی کند. بارها حمله کردند تا آترا قانونی کنند اما جامعه در مقابلشان ایستاد و بارها عقبشان راند. اما در عین حال جامعه به درجاتی شوک شده بود فکر نمیکرد آخر قرن بیست یک حکومتی با این درجه وحشیگری سر کار بیاید، دستاوردهای جامعه را پس بگیرد و قوانین ۱۴۰۰ سال قبل را حاکم کند. جامعه وقت میخواست تا جمهوری اسلامی را بخوبی بشناسد و خود را در مقابلش سازمان بدهد. جمهوری سرکوب خونینی را هم از سال ۶۰ شروع کرد با دهها هزار اعدام و صدها هزار زندانی و شکنجه و همه اینها نشان میداد که جامعه این حکومت را نمیخواهد، با فرهنگی که حکومت میخواهد مطلقاً سر سازگاری ندارد. اگر مردم با

فرهنگ حکومت ذره ای خوانایی داشتند این درجه از جنایت و سرکوب و سنگسار ضرورتی نداشت.

**کیوان جاوید:** شما چه نکته ای دارید مینا احدی؟  
مینا احدی: سنگسار خیلی متفاوت از اتفاقات دیگری بود که در ایران پیش می آمد. وقتی اعدام ها آغاز شد، در اوایل بعضاً روی اعدامها بخاطر مواد مخدرمردم بحث داشتند، هنوز هم تعداد اندکی فکر میکنند اعدام برای نظم و امنیت مفید است و یا اینکه همه جا اعدام هست پس در ایران هم چندان عجیب نیست. درباره حجاب و اتفاقات دیگر در ایران می شود این ادعا را کرد که بخشی از مردم می خواستند ببینند که چطور است ولی درمورد سنگسار اصلاً اینطور نبود. از روز اول مردم درباره اش کنجکاو بودند. اولین سنگسار در مشهد اتفاق افتاد که خانم معلمی علیه خمینی حرف زده بود، نه بخاطر رابطه جنسی. وقتی جمهوری اسلامی می خواست سنگسار را اجرا کند مردم جمع شدند که ببینند این چیست و چطور اتفاق می افتد. من مدعی هستم که از همان روز اول همه مخالف این فاجعه بودند. مهم نبود به چه دلیل، مهم

نبود بخاطر رابطه جنسی خارج از ازدواج و همجنسگرایی. در اوایل مردم از سر کنجکاو می رفتند که ببینند و هرکس شاهدش بود حالش خراب شد. من با کسانی صحبت کردم که اولین سنگسارها را از سر کنجکاو دیدند ولی در نتیجه اش سه ماه در بیمارستان بستری بودند. مردم بیمار نیستند آدم عادی نمی تواند این را ببیند و بپذیرد. چطور ممکن بود که بعد از آن انقلاب بتوانند شاهد این باشند که کسی را به این روش تکه پاره کنند. بنابراین من کاملاً با این نظر موافقم که از روز اول در این مورد عکس العمل کامل منفی بود و بعد از مدتی مردم سنگها را به طرف ملاها پرتاب کردند. کما اینکه زلیخا کدخدا در بوکان همین طور نجات یافت که مردم سنگها را بطرف ملا پرتاب کردند و زلیخا را نجات دادند.

**کیوان جاوید:** اولین عکس العمل های سازمان یافته چه از طرف شما و چه از طرف حزب کمونیست کارگری چطور شروع شد. اعتراض به سنگسار چطور شروع شد.

**مینا احدی:** من مدعی هستم که حزب کمونیست کارگری، ما بودیم، که اولین

ادامه در صفحه ۳



کمپین نجات سکینه توجه جهانیان و رسانه ها را به مجازات وحشیانه سنگسار جلب کرد. در این تصویر که از یکی از مراکز پر رفت و آمد لندن است مردم و رسانه ها برای حمایت و انعکاس خبر دیده میشوند.



ده ها نفر از فعالین سرشناس از کشورهای مختلف از جمله مریم نمازی و ماریا روحالی در کمپین نجات سکینه شرکت داشتند.

از صفحه ۲

## تاریخ یک نبرد

بار عکس العمل جدی به آن نشان دادیم. ما می توانیم بگوییم که مثلا علیه حجاب توده وسیعی از زنان معترض بودند و ما هم بعنوان بخشی از آن جنبش چپ در آن دخیل بودیم. بعد از آن هر اتفاق دیگر که افتاد می توانیم بگوییم که اعتراض در ایران شروع شد، افراد و سازمانهای غیر دولتی و فعالین اجتماعی اعتراض را شروع کردند، ولی در این مورد مشخص ما، حزب کمونیست کارگری ایران، ما کمونیستها از اول یک پرچم در ایران و در سیاست بلند کردیم و اعلام کردیم که باید علیه سنگسار بود. به نظرم در داخل ایران هم وقتی مردم از خبر سنگسار کسی، فرضا همسایه ای، مطلع می شدند اعتراض می کردند ولی با وحشت. در مورد سنگسار ما پیشرو بودیم و اعتراض و اولین کمپین ها را سازمان دادیم. طبعاً در داخل ایران یک سری اعتراضات و حرکتهای شروع شد. بعنوان مثال کمپین بدون سنگسار که من همه آنها را دنبال می کردم و

می شناختم. ولی فکر می کنم که کمونیست ها و حزب کمونیست کارگری ایران در این زمینه، هم پیشرو بودند و هم، اولین قدمها را برداشتند و نقطه پایانی بر آن گذاشتند. **اصغر کریمی:** برای مینا راحت نیست که در مورد نقش عظیم خودش و اینکه چطور این پرچم را برافراشت صحبت کند. واقعا میتوان در مورد کمیته بین المللی علیه سنگسار که مینا بنیان گذاشت و نقش او کتاب ها نوشت. ملی اسلامی ها که میگفتند فرهنگ مان است، قوانین اسلامی است و به شما چه ربطی دارد مگر شما وکیل جامعه هستید و ... در آن مقطع اختلافات فعلی را هم با حکومت نداشتند و تکلیفشان روشن است. الان دیگر جرات نمیکنند از این حرف ها بزنند. جریانات سلطنت طلب هم دیدند و از کنارش گذشتند. متأسفانه خیلی از گروههایی که خودشان را چپ میدانند هم دیدند یا ندیدند و از کنارش گذشتند و حداکثر یک اطلاعیه ای دادند و آنرا محکوم کردند. چون بهررو چپ ها همه مخالف این جنایت بودند. ولی مینا احدی

با احساس خاصی به مساله نگاه کرد و آنرا بزرگ کرد. چون خود مساله واقعا بزرگ بود. مینا میگفت در مقابل این مساله دنیا باید از حرکت بایستد، دست به اعتصاب بزند و یک دقیقه سکوت در سراسر دنیا اعلام شود و شروع کرد کارزاری را سازمان داد، یکی از عظیم ترین کارزارهای جهانی و یکی از پر سر و صداترین کمپین های جهانی علیه جمهوری اسلامی. قبل از آن هم کمپین های عظیمی سازمان داده شده بود مثل کمپین جهانی دفاع از اعتصاب کارگران نفت و یا کمپین های بزرگی علیه اعدام و بی حقوقی زنان یا برای آزادی زندانیان سیاسی که خیلی هایشان هم توسط حزب کمونیست کارگری سازمان داده شده بود، اما این حرکت خیلی متفاوت بود. بسیار رسانه ای شد، افکار عمومی دنیا را جلب کرد، چه آکسیون های بزرگی در شهرهای مختلف دنیا برپا شد و غیره. میشد مینا احدی یا حزب کمونیست کارگری هم یک اطلاعیه بدهد و محکوم کند و برود سراغ کار و زندگی خودش، اما این تجربه ای بود

افتد ساعتها از حرکت می ایستند، و الان در آن دنیا بودم. آن زمان بچه کوچکی داشتم که او را بغل می کردم و از این سازمان به آن سازمان می رفتم و می گفتم که می خواهند کسی را در ایران سنگسار کنند و ما باید کاری بکنیم. با سازمانهای اتریشی کار بزرگی کردیم و فریبا نجات یافت و حتی به او کمک کردیم که به کانادا منتقل شود.

بعد از آن بطور مرتب خبر احکام سنگسار به ما می رسید. بعنوان مثال خانم حاجیه اسماعیلوند که اخبار کمپینش در اینترنت موجود است. ما برای نجات او کمپینی اعلام کردیم که سازمان عفو بین الملل هم از آن حمایت کرد. هیچوقت

ادامه در صفحه ۴

## انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

از صفحه ۳

## تاریخ یک نبرد

فراموش نمی کنم که یک روز بعد از ظهر به من تلفن زدند و گفتند که همین الان در شهر خوی مشغول کندن زمین برای سنگسار حاجیه هستند. اینجا لازم می بینم که من هم درباره نقش اصغر کریمی در سازماندهی کمی صحبت کنم چرا که او خیلی از کارها را به عهده داشت و پیش می برد. نوشتن اطلاعیه، تماس با حزب، سازمان دادن تشکیلات و غیره را اصغر کریمی پیش می برد. به خاطر دارم که بعد از گرفتن آن خبر درباره حاجیه با اصغر کریمی تماس گرفتم و قرار شد که همان روز در بیانیه ای از همه بخواهیم که به خیابان بروند و اعتراض کنند. با وجود هوای خیلی سرد در هشت کشور تظاهرات سازمان دادیم. صبح روز بعد سازمان عفو بین الملل خبر نجات حاجیه را منتشر کرد. حاجیه اسماعیلوند الان در آذربایجان ایران زندگی می کند. او ازدواج کرده و بچه دارد. خانم دیگری به اسم کبری نجار نجات پیدا کرد. ولی هربار که درباره او حرف می زنم بعضی گلویم را می گیرد چون بعد از نجاتش شنیدم که این تجربه روی روحیه اش تاثیر بسیار منفی ای گذاشته و به روانپزشک مراجعه می کند. نفس فکر کردن به اینکه کسانی دور من جمع بشوند و سنگسار کنند به خودی خود یک کابوس است. یکی از مواردی که موفق به نجات نشدیم و روی قلبم سنگینی می کند کمپین برای مریم ایوبی بود که شما هم به آن اشاره کردید. ما ۱۱ جولای را روز جهانی علیه سنگسار اعلام کردیم، روزی که مریم ایوبی سنگسار شد. مریم در

شرکت نفت کار می کرد، مهندس بود، و دو تا بچه داشت. او به رابطه خارج از ازدواج متهم شده بود. مریم را در زمان خاتمی سنگسار کردند. ما کمپین وسیعی برای نجات او اعلام کرده بودیم. در دانشگاهی در ترکیه سیصد نفر تومار را امضا کرده بودند، معاون پارلمان در آلمان نامه اعتراضی ای نوشت، و موارد بسیار دیگری که اینجا اشاره نمی کنم. همان موقع از طرف دفتر خاتمی خانمی به من زنگ زد و پرسید: "آیا شما وکیل زنان ایران هستید؟" جواب دادم: "بله، تقریباً می توانم بگویم که وکیل آنها هستم." او گفت: "شما چکار دارید به این مساله سنگسار و مریم ایوبی؟" کمی با تندی جواب دادم که این جنایت و وحشی گری است ... جواب داد: "خانم ما خودمان می خواهیم. ما زنان ایران اگر رابطه خارج از ازدواج داشته باشیم خودمان می خواهیم که این اتفاق بیافتد." بعد از این گفتگوی کوتاه و با عصبانیت تلفن را قطع کردیم. یک هفته بعد مریم را در زندان اوین سنگسار کردند. وقتی به او گفتند که وقت سنگسار است او بیهوش می شود و او را با برانکارده به صحنه سنگسار می برند. من بعداً دوستی را دیدم که در آن زمان هم زندانی مریم بود. او می گفت که مریم ایوبی همه اخبار کمپین را دنبال می کرد و امیدوار بود که نجات پیدا کند. ما برای دهها نفر کمپین اعلام کردیم. تعداد زیادی نجات پیدا کردند و متأسفانه تعدادی هم سنگسار شدند. هر جا در اروپا و پارلمانها سخنرانی می کنم می گویم که من یک کمپینر عادی نیستم، در گوشم صدای کسانی هست که سنگسار

۱۰ دسامبر ۲۰۰۲ کنفرانس برلین بدعوت بنیاد هانریش بل و با شرکت سازمان جهانی علیه شکنجه، نمایندگان عفو بین الملل، سازمان تره ده فام، مینا احدی و سازمان های دیگر برگزار شد و به پیشنهاد مینا احدی روز ۱۱ ژوئیه، روزی که مریم ایوبی در زندان اوین سنگسار شد بعنوان روز جهانی علیه سنگسار تعیین شد.

شده اند، صدای بچه هایی هست که اعدام شدند. ولی به هرحال کمپین هایی که داشتیم جمهوری اسلامی را به وحشت انداخت و در نهایت کمپین سکینه محمدی آشتیانی به سنگسار تیر خلاص زد.

**اصغر کریمی:** مینا در مورد اینکه چه کسانی را توانستیم نجات بدهیم و چه کسانی را نتوانستیم نجات بدهیم صحبت کرد اما اگر این کمپین ها را سازمان نداده بودیم تا الان خیلی های دیگر هم سنگسار شده بودند. در واقع خیلی های دیگر را به این معنی نجات دادیم. کسانی بطور سمبلیک نجات یافتند اما فشار جهانی که راه انداختیم به جمهوری اسلامی افسار زد و در عمل به کل سنگسار پایان دادیم.

**کیوان جاوید:** مساله سنگسار کمک به آدم هایی است که از مرگ نجات پیدا میکنند. مردم هم که بقول مینا این فرهنگشان نبود نمیخواستند کسی سنگسار شود اما برای حزب کمونیست کارگری جایگاه سیاسی این کمپین چه بود؟ صرفاً کاری انسانی بود یا پشت این حرکت



پاریس، مارس ۲۰۰۰- کنفرانس با حضور محمد مصطفایی و کیل سکینه و هنری د لوی فیلسوف مشهور فرانسوی

نبرد سیاسی عظیم تری خوابیده بود؟  
**اصغر کریمی:** این بخشی از یک نبرد عظیم بود همینطور که مبارزه علیه اعدام. از نظر انسانی هم البته بسیار بسیار مهم بود که جان عده ای را نجات بدهیم حتی نجات جان یک نفر فوق العاده مهم و انسانی است. و اگر سازمانی یک نفر را هم از اعدام و سنگسار نجات داده باشد در کارنامه اش بعنوان یک نقطه مثبت ثبت میشود. اما در عین حال این بخشی از یک مبارزه عظیم و همه جانبه علیه کل توحش اسلامی بود.

ادامه در صفحه ۵



ده ها روزنامه و خبرگزاری از کشورهای مختلف تصویر سکینه آشتیانی و اخبار مربوط به کمپین بین المللی علیه سنگسار را منعکس کردند.

از صفحه ۴

## تاریخ یک نبرد

گرفت.

**مینا احدی:** سنگسار یا اعدام اولاً خیلی متفاوت از انواع دیگر سرکوب است. وقتی جان انسانها را می گیرند در حقیقت این جنایتها برای تثبیت پایگاه خودشان در جامعه است. برخی از احزاب که خودشان را کمونیست و ضد سرمایه داری هم می دانند به این مساله پشت میکنند و در نهایت محکومش می کنند. آنها سعی می کنند این عدم فعالیت را با اینکه آنها مشغول مبارزه با سرمایه داری هستند توجیه کنند. من در طی این سالهای مبارزه خیلی از این بحث ها شنیده ام که به نظرم خیلی ایراد سیاسی دارد و برخورد غلطی است. چراکه وقتی علیه سنگسار و اعدام مبارزه می کنیم در واقع یکی از مهمترین ابزار های جمهوری اسلامی را از کار می اندازیم. وقتی سنگسار را ممنوع می کنید کارگر معترض تر می شود و با اعتماد به نفس بیشتری مبارزه می کند، زنی که می خواهد دوچرخه سواری بکند با اعتماد نفس بیشتری وارد جامعه می شود. کلاً موقعیت زنان بسیار متفاوت می شود و این مبارزات توازن قوا را به نفع مردم تغییر داد و از این لحاظ بسیار مهمند.

**کیوان جاوید:** یکجایی مبارزه علیه سنگسار یک جهشی پیدا کرد. مساله سنگسار سکینه محمدی خبرش به شما رسید. این مساله چطور خبرش به شما رسید و چطور شد که این را به یک مساله جهانی تبدیل کردید؟

مینا احدی: ما کمپین

های مقطعی بسیاری داشتیم و این متأسفانه ادامه داشت. به این نتیجه رسیدیم که باید شبکه ای بسازیم. کمیته بین المللی علیه سنگسار را ساختیم و از آنجایی که همیشه هدفم این بود که دنیا باید علیه سنگسار بایستد، این کمیته ای بین المللی را ساختیم که حزبی نبود. فراخوانی به همه مردم دنیا بود. ۳۰۰ نفر شخصیت سرشناس بین المللی در سراسر دنیا به این فراخوان پاسخ دادند و این شبکه تشکیل شد. کمیته بین المللی علیه سنگسار فعالیت چشمگیری داشت. از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ کمپین های زیادی داشتیم. صدای ما به گوش پسر سکینه محمدی آشتیانی - سجاد - در تبریز هم رسیده بود. سال ۲۰۰۶ بود که تلفنم زنگ زد: "الو، حقوق بشر؟" کمی خندیدم و به شوخی گفتم: "بله، بفرمایید. حقوق بشرم، چی می خواهی؟" از صدایش معلوم بود که پسر جوانی است. او گفت: "مینا می خواهند مادرم را سنگسار کنند." پرسیدم: "مادرت کجاست؟" گفت: "در زندان تبریز!" دو بار نفس عمیقی کشیدم. برای لحظه ای به یاد همسر خودم افتادم که در زندان تبریز اعدام شده بود. به سجاد گفتم به تو قول میدهم که نگذاریم مادرت را سنگسار کنند. و از او قول گرفتم که با خواهرش نامه ای بنویسد و بپرسد که آیا دنیا اینقدر بیرحم است که بگذارد مادرشان را سنگسار کنند؟ این نامه را به زبانهای فارسی و انگلیسی و آلمانی منتشر کردیم و بعد آنموقع من و اصغر و بقیه گویا در وسط طوفانی بودیم. بعد از چند روز آن نامه به سی زبان ترجمه شده بود و در سراسر دنیا منتشر شده بود و در اینترنت

**کیوان جاوید:** اصغر کریمی شما در واقع انباری از اطلاعات در مورد کمپین نجات سکینه محمدی و موتور محرکه پشت این کمپین بودید. خواهش میکنم توضیح بیشتری در مورد این کمپین بدهید لازم است مردم بدانند این کمپین چطور کار کرد.

اصغر کریمی: مینا استارت این کمپین را زده بود. با توجه به فضایی که مینا توضیح داد کمیته شکل جدی تری بخودش گرفت. مینا سخنگوی کمیته بین المللی علیه سنگسار بود و من هم هماهنگ کننده کمیته. فعالیت بسیار همه جانبه ای شروع کردیم. تجمعات اعتراضی در شهرهای مختلف و یا بیانیه های متعددی که بعضاً به هشت زبان ترجمه میشد، پوسترهای متعدد به اشکال مختلف؛ مثلاً پوسترهای مختلفی با عکس بزرگ سکینه که روی آن به انگلیسی و فارسی نوشته شده بود میخوامم زنده بمانم. پوسترهایی ساده اما عمیق و بسیار تاثیرگذار. بیش از صد اطلاعیه صادر شد که اکثراً توسط دوستان عزیز می مثل احمد فاطمی یا ماریا روحالی که خیلی همکاری میکردند ترجمه شد. یا فرشاد حسینی و عباس گویا و محمد امیری که هر کدام گوشه ای از کار را

بعهده داشتند، سایتش را میچرخاندند، با جاهای



شهردار شهر رم در ایتالیا علیه حکم سنگسار، تصویر سکینه آشتیانی را بر فراز ساختمان شهرداری این شهر آویزان کرد.

مختلف تماس میگرفتند، مصاحبه میکردند، ترجمه میکردند. یادم هست احمدی نژاد گفت شما اسم سکینه محمدی را در اینترنت جستجو کنید بیش از ۵۰۰ هزار بار به اسم او برمیخورید آخه مگه این مساله مهمیه! گفتیم بله مساله خیلی مهمی است و ۵۰۰ هزار باید ۵۰۰ میلیون بشود چون این جایگاه را دارد. یکی از حرکات سراسری که سازمان دادیم در ۳۲ شهر در نقاط مختلف دنیا بود و حرکت بعدی در اوایل مرداد ۸۹ بود که در ۱۱۱ شهر صورت گرفت و ۱۱۵ تجمع در یک روز در ۲۸ اوت ۲۰۱۰ سازمان داده شد. برای اینکه فضای آن دوره را منعکس کنند اجازه بدهید تکه ای از بیانیه ای که برای این حرکت سراسری نوشته شد و در این تجمعات به زبان های مختلف قرائت شد را اینجا قرائت کنم:

## "آکسیون جهانی ۲۸

ادامه در صفحه ۷



صدها هزار نفر طومار اعتراضی علیه سنگسار سکینه آشتیانی را در خیابان و یا بصورت آنلاین امضا کردند.



فرانکفورت



مالمو



کلن



بردفورد



ونیز



استکلهم



برلین



تورنتو



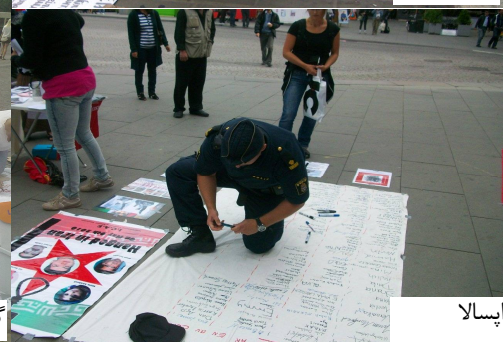
وین



کلن



گوتنبرگ



ايسالا



برمن



لندن



لوند



لندن



آتن



تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران به اشکال مختلف و از جمله با مشارکت در برگزاری کمپین ها و آکسیون های مختلف در فعالیت های کمیته بین المللی علیه سنگسار حضور فعال داشتند. این تصاویر گوشه ای از این فعالیت ها را نشان میدهد.

از صفحه ۵

## تاریخ یک نبرد

## مبارزات مردم در ایران و در سراسر دنیا است.

در این بیانیه بر خواست های زیر نیز تاکید شده بود: اینکه سکینه محمدی آشتیانی و تمام محکومین به سنگسار فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند. مجازات سنگسار در ایران و در همه جا فوراً لغو شود و سازمان ملل در قطعنامه ویژه ای مجازات سنگسار را در همه کشورها اکیدا ممنوع اعلام کند. جمهوری اسلامی سنگسار



سازمان فمَن از جمله گروه های حمایت کنندگان کمیته علیه سنگسار و کمپین نجات سکینه بود

بعنوان دولت ایران برسمیت شناخته نشود و از همه مجامع بین المللی طرد شود و عاملین سنگسار محاکمه شوند. سنگسار شنیع ترین شکل جنایت علیه بشریت است. هر فرد و دسته و گروه یا دولتی این مجازات را اعمال کند باید مورد تعقیب مراجع بین المللی قرار گیرد و در دادگاههای بین المللی محاکمه شود.

نکته دیگری که میخواهم اضافه کنم اینکه رسانه های مختلف جهانی از آسوشیتدپرس و رویتر و بی بی سی و سی ان ان و رسانه های مختلف از اقصا نقاط جهان تماس می گرفتند و دولت هایی مانند دولت برزیل یا اتحادیه اروپا عکس العمل

نشان دادند. یادم هست که برای مصاحبه با مینا رسانه ها باید نوبت می گرفتند. یا سی ان ان هر روز تماس می گرفت و هر شیفتم اسامی و آدرس تماس شیفتم بعد را میداد که گزارشات و عکس ها و کلیپ ها را به آنها بفرستیم. یا وزیر خارجه فرانسه به خانم اشتون نامه داد که اتحادیه اروپا باید هماهنگ در این زمینه اقدام کند. از اسکاندیناوی تا سایر کشورهای اروپایی و آمریکایی و غیره مردم در آکسیون های متعدد و بزرگی که تشکیل میشد شرکت میکردند و با این کمپین چهره واقعی جمهوری

سنگسار شدند مردم می شنوند و ناراحت می شوند و با توجه به مشغولیات زندگیشان از آن می گذرند. ولی اگر این امکان را برایشان فراهم کنیم که این انسان را ببینند، صدایش را بشوند، صدای فرزندانش را بشنوند، با وجود همان هیاهوی زندگی روزمره شان می ایستند و اقدامی می کنند. وقتی از سجاد خواستم که عکس مادرش را بفرستد عکس با حجایی از سکینه فرستاد، همین عکسی که معروف شد. از او خواستم که عکسی بدون حجاب بفرستد، ملاحظه داشت. خلاصه اینکه همین عکس خیلی تاثیر داشت و باعث شد که مردم با او تداومی بکنند. خیلی ها برای من نوشتند و از اینکه چقدر انتشار عکس و اینکه مردم بتوانند چهره سکینه را ببینند روی کمپین تاثیر داشته است. در این کمپین مردم کارهای بسیار جالبی کردند. اینجا وقت نیست به همه آنها بپردازم ولی بعنوان نمونه کسی در برلین جلوی مجسمه آزادی با عکس سکینه در دستش عکس گرفته بود. شهرداری هایی در ایتالیا عکس بزرگش را آویزان کردند و اعلام کردند که او باید آزاد بشود. وقتی به فرانسه دعوت شده بودم یک فیلسوف معروفی به اسم برنارد هنری له وی Bernard Henri Lévy -تظاهراتی سازمان داده بود. عکس دختر جوانی که در آن تظاهرات مشغول نسب پوستر سکینه بود عکس تاریخی ای شد. به هر حال مردم عکس العمل مثبتی به این کمپین داشتند ولی حساب دولت ها متفاوت است. اتحادیه اروپا که تا آنموقع مذاکرات بسیاری با آنها داشتیم اینبار تحت فشار کمپین خودشان ما را دعوت کردند. من، مریم نمازی، و



بروشور بزرگترین سازمان زنان آلمان برای روز جهانی علیه سنگسار صدها شخصیت و ده ها سازمان و نهاد مدافع انسان از کمپین نجات سکینه آشتیانی در سراسر جهان حمایت کردند.

تعدادی از دوستان دیگر با ۲۵ نفر از نمایندگان اتحادیه اروپا ملاقات داشتیم. مقامات بالای اتحادیه اروپا از ما می پرسیدند که چکار باید کرد. اتحادیه اروپا هم در متوقف کردن سنگسار نقش داشت. قبل از رفتن نمایندگان اتحادیه اروپا با آنها ملاقاتی داشتیم که آن موقع آنها نخواستند علنی بشود چون جمهوری اسلامی ممکن بود به آن حساسیت نشان بدهد. خلاصه اینکه نکته این است که دولتها به به دنبال ما آمدند ولی مردم کمپین یکی از خاطرات بسیار زیبای زندگی ما بود.

کمیون جاوید: به نسبیست فرهنگی اشاره کردید ولی

کمیون جاوید: شما اصغر کریمی نکته ای دارید؟

ادامه در صفحه ۸



کمپین پر قدرت برای نجات سکینه آشتیانی توجه بسیاری را در ایران بخود جلب کرد.

از صفحه ۷

## تاریخ یک نبرد

رابطه احزاب سیاسی با این کمپین چگونه بود؟

**اصغر کریمی:** این کمپین روی برخی سازمان های سیاسی یا سازمانهای مربوط به زنان تاثیر گذاشت و گرایشی را در آنها عقب راند ولی احزاب ایرانی بجز حزب کمونیست کارگری متاسفانه کاری نکردند. بعضا بعد از اینکه کمپین جهانی شد و سر و صدا کرد یک اطلاعیه ای دادند و جمهوری اسلامی را محکوم کردند ولی کار میدانی خاصی انجام ندادند.

**کیوان جاوید:** احزاب ایرانی با چه توجیهی در مقابل این بربریت قرن اینقدر بی عمل برخورد کردند؟

**مینا احدی:** به نظرم گرایشهای مختلفی هست. به عنوان مثال گرایش ملی اسلامی، نمایندگانشان در ایران و در خارج از کشور زیاد روی خوشی به این کمپین نشان نمی دادند. در داخل ایران کمپینی بود به نام قانون بی سنگسار که در راس آنها فعالین جریان ملی اسلامی بودند و کارشان این بود که با آخوند ها حرف می زدند که نظرشان عوض بشود و یا در قران تصحیحاتی پیش بیاید.

این حرکت اعتراضی ای در داخل ایران نبود. ولی چیزی که بعدا می دیدم این بود که وقتی سابقه این مبارزه مطرح می شود نقش این کمپین را برجسته می کنند که به نظرم اینطور نبود. نکته ای را در همین زمینه اشاره کنم. خانم شیرین عبادی در اوج کمپین برای نجات سکینه بیانیه ای صادر کرد و اعلام نمود که این نوع کمپین ها باعث می شود که توجه از بقیه زندانیان سیاسی کنار برود و به این بهانه این حرکت بین المللی

کاری کردیم که همه حرف بزنند در این مورد و امام جمعه ها و مقامات حکومت همانوقتی جوابش را دادم. این نمونه ای از نوع برخوردها به این کمپین بود. تا آنجایی که به سازمانهای چپ بر می گردد کلا در سکوت به سر بردند و گاهی اطلاعیه ای در محکومیت سنگسار صادر می کردند. بحثشان این بود که اینها مسائل حقوق بشری و مسائل کوچکی هستند و ما باید به مسائل مهمتر بپردازیم. این جنش برای ممنوعیت سنگسار را مردم ایران، مبارزات زنان در ایران، و ما و مردم دنیا پیش بردند. به نظرم این کمپین از درخشانترین کمپین های بین المللی بود و می تواند درسهای زیادی برای نوع کار و زیر فشار گذاشتن جمهوری اسلامی داشته باشد.

**کیوان جاوید:** در آستانه روز جهانی مبارزه با سنگسار هستیم. الان سالها است جمهوری اسلامی عملا دست به سنگسار نزده است. آیا قانون عوض شد یا عملا کنار گذاشته شد؟

**اصغر کریمی:** جمهوری اسلامی تحت فشار مجبور به عکس العمل شد. مقاماتش تحت فشار قرار گرفتند. ما همه را از دولت ها تا رسانه ها و نهادهای حقوق بشری را

میوان جاوید: اگر شما هم مینا احدی نکته ای دارید بفرمایید:

**مینا احدی:** واقعا اینطور بود که از سال ۲۰۱۰ که این



تصاویر بالا مربوط به سفر مینا احدی به برزیل است. او برای لغو حکم سنگسار سکینه آشتیانی و توجه جهانیان به مجازات ضد انسانی سنگسار سفرهای متعددی به کشورهای مختلف داشت و با نهادهای انسان دوست و مطبوعات و رسانه های مختلف این کشورها ملاقات و گفتگو داشت.

کمپین شروع شد. جنگ بزرگی بین ما و جمهوری اسلامی بود. اتفاقات زیادی در خلال این کمپین پیش آمد. فقط این نبود که بحث سکینه و سجاد است. جمهوری اسلامی دو خبرنگار آلمانی را



کمپین نجات سکینه و فعالیت های کمیته بین المللی علیه سنگسار باعث خشم مردم جهان نسبت به مجازات قرون وسطایی شد و توجه بسیاری را به بی حقوقی زنان در ایران جلب کرد و همبستگی بین المللی با زنان و مردم ایران را گسترش داد.



از صفحه ۸

## تاریخ یک نبرد

دستگیر کرد، سکینه و سجاد را مجبور کرد که در برنامه تلویزیونی شرکت کنند، از هر امکانی استفاده کردند که این کمپین را شکست بدهند. از جمله وقتی احمدی نژاد در سازمان ملل سخنرانی کرد گفت که اینها همه دروغ هستند و زنی در آلمان این سر و صداها را بپا کرده است.



تجمع در یکی از میدانهای اصلی شهر کلن آلمان در اعتراض به مجازات سنگسار و برای لغو حکم سنگسار سکینه آشتیانی



تظاهرات در ترکیه در روز جهانی علیه سنگسار و برای لغو حکم سکینه آشتیانی

بشریت علیه داعش در ایران بود.

**کیوان جاوید:** حزب کمونیست کارگری برای جامعه ای آزاد و شاد و برابر و مرفه مبارزه میکند. تاثیر این مبارزه علیه سنگسار برای ایجاد جامعه ای که حزب برایش مبارزه میکند چیست؟ اصغر کریمی: یک نکته را اول اشاره کنم و آن اینکه این کمپین بعد از اعتراض میلیونی مردم در سال ۸۸ اتفاق افتاد که جمهوری اسلامی به خشن ترین شکلی به آن برخورد کرد اما مبارزه به اشکال دیگر ادامه پیدا کرد. همینطور که بعد از دیماه ۹۶ که در صد شهر کشور مردم بپاخاستند مبارزه به اشکال مختلف دیگر یعنی گسترش مبارزات کارگری، معلمان و بازنشستگان و غیره خیلی عمیق تر جریان یافت. و ادامه همین مبارزات است که دوباره به یک خیزش هربار عمیق تر و قدرتمندتر تبدیل میشود تا بالاخره جمهوری اسلامی را می اندازد.

نکته مهم این است که میشد درمورد سنگسار هم اطلاعیه ای داد و از کنارش گذشت اما همینطور که دیدیم ما آترا به مساله بزرگی تبدیل

این کمین یک مهر باطل شد روی سنگسار و این جنایت ها زد و واقعا یکی از پیشرفت های بزرگ ما و

کارگری ایران این کمپین را به بهترین نحو پیش برد. پاسخ تمام پاتک های جمهوری اسلامی را دادیم. آنها حتی سکینه را به تلویزیون کشاندند که اعلام کند "من خودم این کار را کرده ام. به مینا احدی و دیگران ربطی ندارد. بروید کنار، این زندگی من است." و فکر کردند از این طریق می توانند کمپین را ساکت کنند. از تمام امکاناتشان استفاده کردند ولی در نهایت شکست خوردند. ولی نگذاشتند که در اوج کمپین از زندان خارج بشود چون نمی خواستند مهر پیروزی به این حرکت بخورد. سجاد را تهدید کردند که اگر با کسی مصاحبه بکند باید دویست هزار یورو جریمه بدهد.

هدف جمهوری اسلامی از دستگیری دو خبرنگار آلمانی این بود که مستقیما به دولت آلمان فشار بیاورند. این بحث را مطرح کردند که مینا احدی تروریست است. "مذاکره برای مبادله" را مطرح کردند، به این معنی که خبرنگاران را با مینا احدی مبادله می کنیم. در تلویزیون جمهوری اسلامی تبلیغ کردند که مینا احدی تروریست است... اینها بحث هایی بود که در طول این کمپین پیش کشیده شد و احساسم این بود که ما در مقابل خامنه ای و اطاق فکر حکومت سپاه پاسدارانش هستیم. هربار یک اتفاق سیاسی می افتاد و ما با داریت و همبستگی و فعالیت های بین المللی حزب کمونیست

کردیم. در مورد انواع ستم هایی که به مردم میشود حول هر ستمی و حول هر آذیت و آزار مردم از دستفروشان یا کولبران، کارگران یا دانشجویان، زنان یا زندانیان سیاسی میتوان کارهای عظیم راه انداخت. خوشبختانه الان فعالین سیاسی در ایران تجارب بزرگی دارند باید این تجاربشان را بکار گیرند تا نیروی عظیم مردم ناراضی را سازمان داد در سطح بین المللی همینطور. اینها در واقع خمیرمایه مبارزاتی است که جلو میاید با مطالبات روشن و سازمان یافته تر و چهره های شناخته شده. این فضای جامعه ایران است و کمپین های علیه سنگسار و اعدام گوشه هایی برجسته از مبارزه مردم ایران است که در عین حال کردیت بزرگی برای حزب کمونیست کارگری است که چنین کمپین هایی را سازمان میدهد و تجارب ارزشمندی را در مقابل جامعه و فعالین میگذارد.

**کیوان جاوید:** بعضا میگویند اینها حقوق بشری است یا مبارزه اصلی این نیست. از نظر شما تاثیر این ادامه در صفحه ۱۰



در برخی از کشورها از جمله در برزیل و ایتالیا انعکاس خبر کمپین نجات سکینه آشتیانی و حمایت از آن ابعاد خیره کننده ای داشت. در عکس بالا پوستر نجات سکینه در شهر رم در ایتالیا دیده میشود.

## بیانیه ۲۸ اوت ۲۰۱۰ صد شهر جهان علیه سنگسار!

روز ۲۸ اوت ۲۰۱۰ صد شهر جهان علیه سنگسار و برای نجات جان سکینه محمدی آشتیانی بپاخاسته اند. این روز در تاریخ ثبت خواهد شد. چرا که نماد اعتراض میلیونی و پرشور مردم سراسر جهان در هفته های اخیر علیه بربریت قرون وسطایی سنگسار است. این شرم بشریت است که در قرن بیست و یک هنوز در ایران و دیگر کشورهای اسلام زده سنگسار برقرار است. ما شهروندان صد شهر جهان اعلام می کنیم که این ننگ را نمی پذیریم.

در این روز ما همچنین علیه حکومت سنگسار در ایران اعتراض می کنیم. حکومتی که در ۳۱ سال گذشته یک نسل کشی به راه انداخته، آپارتاید جنسی برقرار کرده و زندان و شکنجه و اعدام و تجاوز و قوانین ارتجاعی شریعت را بر ایران حاکم کرده است. این حکومت قاتل مردم است و سران آن باید به جرم جنایت علیه بشریت در دادگاههای بین المللی محاکمه شوند.

آکسیون جهانی ۲۸ آگوست ۲۰۱۰ جلوه دیگری از همبستگی مردم جهان با مردم ایران است که قهرمانانه برای پایین کشیدن رژیم اسلامی سنگسار و قصاص و حجاب و شکنجه و اعدام بپاخاسته اند. ما صد شهر جهان با افتخار اعلام می کنیم که خود را پرچمداران جبهه جهانی انسانیت بر علیه بربریت و وحشیگری میدانیم و از مبارزات مردم ایران بر علیه یکی از درنده خوترین رژیم های تاریخ بشریت فعالانه حمایت می کنیم. ما، بشریت متمدن دنیا، اعلام

می کنیم که راه رهایی مردم ایران نه تهدید و لشگرکشی و حمله نظامی، بلکه بزیر کشیدن جمهوری اسلامی بقدرت مبارزات مردم ایران و در سراسر دنیا است. در ۲۸ اوت ۲۰۱۰ اینها مطالبات مشترک ما در صد شهر جهان است:

۱) آزادی فوری و بی قید و شرط سکینه محمدی آشتیانی و تمام کسانی که در ایران محکوم به سنگسار شده اند.

۲) لغو مجازات سنگسار در ایران و در همه جا. ما از سازمان ملل می خواهیم که در قطعنامه ویژه ای مجازات سنگسار را در همه کشورها اکیدا ممنوع اعلام کند.

۳) برسمیت نشناختن جمهوری اسلامی سنگسار بعنوان دولت ایران.

جمهوری اسلامی باید از همه مجامع بین المللی طرد شود.

۴) محاکمه عاملین سنگسار. سنگسار شنیع ترین شکل جنایت علیه بشریت است. هر فرد و دسته و گروه یا دولتی این مجازات را اعمال کند باید مورد تعقیب مراجع بین المللی قرار گیرد و در دادگاههای بین المللی محاکمه شود.

ما به مبارزه خود علیه سنگسار تا تحقق این خواستها ادامه خواهیم داد، و بعنوان یک اقدام فوری برای تحقق این مطالبات، خواهان ممانعت از ورود احمدی نژاد، رئیس جمهور حکومت سنگسار، به مجمع عمومی سازمان ملل در سپتامبر ۲۰۱۰ هستیم.

این بیانیه به زبان های مختلف در بسیاری از آکسیون های ۲۸ اوت که در ۱۱۱ شهر برگزار شد قرائت گردید.

از صفحه ۱

## در باره اهمیت مبارزه برای لغو مجازات سنگسار

زنان گسترش یافت و فشار به جمهوری اسلامی در ابعاد بین المللی افزایش یافت.

در دسامبر ۲۰۰۲ کنفرانسی علیه سنگسار توسط بنیاد هنریش بل در برلین برگزار شد. مینا احدی، نمایندگانی از عفو بین الملل و سازمان جهانی علیه شکنجه، سازمان تره ده فام و سازمان های دیگری در آن شرکت داشتند. در این کنفرانس تعیین روزی بعنوان روزی جهانی برای مقابله علیه سنگسار به بحث گذاشته شد. مینا احدی پیشنهاد کرد ۱۱ ژوئیه، روزی که مریم ایوبی در زندان اوین سنگسار شد

بعنوان روز جهانی علیه سنگسار تعیین شود. این پیشنهاد مورد قبول واقع شد. از آن پس هر ساله فعالیت هایی به این مناسبت در دستور کمیته بین المللی علیه سنگسار و فعالین آن در سراسر جهان قرار می گرفت. یکی از نقطه عطف های فعالیت علیه سنگسار برگزاری آکسیون در حمایت از سکینه آشتیانی در بیش از صد شهر جهان بود. کمپین نجات سکینه آشتیانی از درخشانترین، تاثیر گذارترین و نقطه اوج فعالیت علیه مجازات سنگسار بشمار می رود. ابعاد این کمپین خیره کننده بود. مردم بسیاری از سراسر جهان از این کمپین حمایت کردند، شخصیت های سرشناسی به آن محلق شدند، مطبوعات و رسانه ها بنحوی که کمتر

از صفحه ۹

## تاریخ یک نبرد

نوع فعالیت ها برای تحقق جامعه ای که برای آن مبارزه می کنید چیست؟

**مینا احدی:** این مبارزه علیه سنگسار و علیه جنایات جمهوری اسلامی ضمن اینکه توازن قوا را عوض می کند برای ما و رابطه ما با مردم تاثیر زیادی داشت. میلیونها نفر، بویژه زنان، در ایران این خبر را شنیدند و خوشحال شدند، و این محبوبیت و احترام عمیقی را برای کسانی که این کمپین را سازمان داده و پیش بردند بوجود آورد. اینها پازل هایی هستند برای اینکه شما بتوانید به یک جامعه نشان بدهید که قدرت سازماندهی و

بسیج بین المللی دارید، امکاناتش را دارید، درایت سیاسی این کار را دارید، قلب و احساس راجع به این مساله دارید، و همه اینها در این تاثیر دارد که در آینده مردم این حزب را انتخاب کنند که نه فقط در این عرصه بلکه در زمینه های متفاوتی فعال است و کار پیش می برد. ما حزی هستیم که از آرمانها و ایدآل های بزرگی دفاع می کنیم، از انسانیت و حقوق انسانی، می گوئیم بشر یک بار به دنیا می آید و باید حق داشته باشد زندگی مرفه آزاد و برابری را تجربه کند و اگر اینطور نیست برای رسیدن به آن جامعه مبارزه کند. در جریان این مبارزات ما علاوه بر نشان دادن آن آرمانها و ایدآل ها و خواستها به

اخبار مربوط به ایران را پوشش داده بودند، به آن پرداختند. در بیش از ۱۰۰ شهر جهان علیه بربریت و دد منشی حکومت اسلامی مردم اعتراض کردند. افکار عمومی جهانی بشدت تحت تاثیر این کمپین قرار گرفت و همبستگی جهانی با مردم ایران وسیعا گسترش یافت. جمهوری اسلامی تحت فشار بی سابقه ای قرار گرفت، عقب نشینی کرد و بلاخره مجازات سنگسار متوقف شد. بدون تردید این عقب نشینی حکومت اسلامی یک پیشروی برای جنبش آزادیخواهی مردم ایران بود. از اینرو، پرداختن به این مساله و مرور نقطه عطف های این نبرد حائز اهمیت است.\*

جامعه، شکل سازمانی برای آینده ایران و آن جامعه ای که برایش مبارزه می کنیم، اشکال سازمانیابی را توضیح می دهیم. ما به شدت غربگرا هستیم و از دستاورد های علمی هنری فرهنگی بشریت ر طول تاریخ استفاده می کنیم. ما با دنیا سر جنگ ندارم و وقتی به قدرت برسیم می خواهیم زندگی خوبی را در ایران سازمان بدهیم. اگر می خواهید ما را بشناسید یکی از کارهایمان همین کمپین بوده است. حزب کمونیست کارگری ایران کارهای زیادی انجام داده است که کمک می کند تصویری از آینده ایران و آلترناتیوی که می تواند این آینده را متحقق کند، بدهد.\*

ویدئو کلیپی بمناسبت ۱۱ ژوئیه روز جهانی علیه سنگسار

تهیه شده توسط کمیته بین المللی علیه اعدام

<https://www.youtube.com/watch?v=IRAx2ff3h9Q&feature=youtu.be>

## ترجمه سخنرانی مینا احدی در دانشگاه ساؤپائولو در برزیل بتاريخ سه شنبه ۳ مه ۲۰۱۰



خیلی متشکرم

بسیار خوشختم که امروز اینجا هستم. برزیل برای من یک کشور بسیار دور و دست نیافتنی بود. من فکر نمی‌کردم که روزی بتوانم امکان سفر به اینجا و سخنرانی در این جمع را داشته باشم. با کمپین جهانی ما برای نجات جان سکینه محمدی آشتیانی من دیدم که در برزیل علاقه و سمپاتی زیادی به این موضوع هست. ما در این کمپین توجه زیادی از سوی رسانه های برزیلی به این موضوع را شاهد بودیم. قبلاً از برزیل یک تصویر در ذهنم بود و آن همکاری خوب بین دولت برزیل و احمدی نژاد و حکومت اسلامی ایران بود و ما اینرا همواره مورد نقد قرار میدادیم.

من امروز اینجا آمده ام و دیروز ما وقتی در فرودگاه بودیم شنیدیم که اسامه بن لادن مرده است. من متن سخنرانی خود را تغییر دادم و امروز میخواهم از دانشگاه ساؤپائولو، کیفخواست خودم را علیه اسلام سیاسی علیه یک جنبش جنبشی که ضد زن است ضد انسان و تروریست هست اینجا اعلام کنم. نه فقط داستان زندگی خودم همچون یک زن که در ایران متولد شده در دانشگاه تبریز در رشته پزشکی تحصیل کرده و علیه یک حکومت دیکتاتوری یعنی حکومت قبلی مبارزه کرده ام بلکه در مورد بسیاری دیگر حرف بزنم. ما خیلی

در ایران و یا در سودان در افغانستان و عراق و عربستان سعودی و در بقیه نقاط. ما با یک جنبش سیاسی سر و کار داریم به اسم اسلام سیاسی و من امروز میخواهم از این دانشگاه، کیفخواست خودم را علیه این جنبش سیاسی اعلام کنم از طرف زنانی که سنگسار شده اند و یا از سوی زنانی که در کشورهای مختلف اسلام زده در لیست سنگسار هستند و اسلامیها میخواهند آنها را سنگسار کنند. من نمیخواهم اینجا فقط در مورد ایران و زنان ایران و مردم ایران بلکه میخواهم در مورد نیجریه پاکستان و افغانستان و عراق حرف بزنم. من امروز میخواهم اینجا کیفخواست میلیونها زن را اعلام کنم که فقط بدلیل عدم رعایت حجاب آزار و شکنجه شده و بعضاً به قتل رسیده اند. قتل ناموسی زنان نه فقط در ایران بلکه در آلمان نیز یک پدیده است. من اعلام جرم میکنم و هیچ حرفی نمیزند در مورد قتل ناموسی علیه سنگسار و علیه قتل زنان به اسم اسلام و مذهب حرفی نمیزند. من امروز اینجا آمده ام چرا که ما یک کمپین بزرگ برای نجات سکینه محمدی آشتیانی به راه انداختیم من امروز میخواهم اعلام کنم که با چه حرکت سیاسی ما رو در رو بودیم و امروز میخواهم بگویم که یک قسمت این مشکل

بزرگ خود حکومتهاى غربی بودند. دولت امریکا و دولت آلمان و بقیه خود جزیی از مشکل بودند. اینها کمک کردند که اسلام سیاسی در خاورمیانه و کشورهای مختلف قدرت زیادی به دست آورد. در افغانستان در جنگ علیه شوروی سابق و یا از ترس یک حکومت چپگرا در ایران کمک کردند که اسلامیها قدرت را در دست بگیرند.

من ۱۹ ساله بودم که اسلامیها در ایران قدرت گرفتند. اولین فرمان خمینی این بود: یا روسری و یا توسری. من متعلق به نسلی و جمعی از زنان در ایران هستم که گفتیم نه روسری نه توسری. ما انسانیم، ما زنیم و میخواهیم آزاد زندگی کنیم. من آن موقع گفتم که من حکومت اسلامی را قبول ندارم ولی هیچگاه فکر نکردم این جمله و این تصمیم تا این حد اثرات متعدد در زندگی من خواهد داشت.

در خیابان ما تظاهرات سازمان دادیم. اولین سخنرانی علنی من علیه حکومت اسلامی و حجاب با حضور بیش از دو هزار زن و مرد بود. من گفتم حجاب ضد زن است گفتم حجاب یک سلول انفرادی برای زنان است.

معنای حجاب چیست؟ معنای حجاب اینست که من یک انسان نیستم باید همه احساساتم را مخفی کنم. اوائل مردانی با ریش های بلند در خیابان بودند سپس مردان با چاقوهایی در دست و در پایان مردان با کلاشینکف. ما در این حرکت شکست خوردیم تعداد زیادی از دوستانم دستگیر و اعدام شدند. اما قبل از اجرای حکم اعدام، اسلامیهها به زنان جوان تجاوز میکردند برای

اینکه جلوی ورود آنها به بهشت را در آن دنیا سد کنند. همسر من یک دانشجوی فیزیک در ایران دستگیر و اعدام شد. من فرار کردم و از شهر خودم تبریز همین شهری که سکینه محمدی آشتیانی در آنجا در زندان است. من به تهران رفتم و آنجا یکسال زندگی مخفی میکردم. آنها دنبال من بودند و یک حکم اعدام علیه من صادر کردند. یکسال بعد من به کردستان پناهنده شدم و ده سال من در کردستان بودم.

اینجا میخواهم توضیح دهم که کاراکتر اصلی اسلام سیاسی ضدیت با زنان و ضد زن بودن است. حجاب یک سمبل و یک بیرق این جنبش سیاسی است. وقتی پای اینها به هر جایی باز شود در هر جایی مثلاً در برزیل در عراق و سودان و یا در افغانستان و یا لندن سعی میکنند در آغاز زنان را تحقیر کنند سعی میکنند حجاب را تحمیل کنند و وقتی یک زن این قوانین و مقررات را نمی پذیرد، صحبت از سنگسار به میان میاید.

سنگسار یک وسیله بسیار مهم در دست جنبش اسلامی برای ترساندن جامعه بود. اگر قبول نکنی آنچه را که ما میگوییم ترا به وسط خیابان کشانده و با پرتاب سنگ زجرکش میکنیم. این یک موضوع مهم در کشورهای اسلام زده برای ترساندن مردم و قدرت گیری این جنبش بود.

وقتی اولین بار یک سنگسار را مشاهده کردم با خودم فکر کردم مینا صبر کن اگر دنیا از این چنین جنایتی باخبر شود ساعتها از حرکت می ایستد کارخانه ها ادامه در صفحه ۱۲

از صفحه ۱۱

## سخنرانی مینا احدی در دانشگاه سائوپائولو در برزیل

از حرکت می ایستد من امروز ۵۴ سال سن دارم و خیلی علیه این موضوع مبارزه کرده ام. من در کنفرانس پکن بودم در کنگره جهانی حقوق بشر در وین از این شهر به آن شهر رفته و در جلسات و کنفرانسهای متعددی شرکت کرده ام و سخنرانی کرده ام - در همه جا در دنیا دو صف دیده ام. دولتها و حکومتها یک سیاست دیگر و علائق دیگری دارند و مردم عادی در همه دنیا یک قلب بزرگ دارند. مردم عادی ما را کمک کردند.

همیشه این حرفها را می شنیدم "ایران یک کشور اسلامی است" مردم یک فرهنگ دیگری دارند هويت دیگری دارند و شاید وقتی یک زن در خیابان کتک میخورد دردش نمی آید. بعضا احساس میکرده بدلیل این ترزا و نظرات متکی به نسبت فرهنگی چین وانمود شود که شاید هم زیاد ناراحت کننده نیست وقتی یک زن سنگسار میشود. ما بسیار تلاش کردیم در دنیای مطبوعات و در دنیای

که بی تفاوت بود بجنگیم و توضیح دهیم مردم! ما انسانیم مستقل از اینکه کجا من به دنیا آمده ام رنگ موهایم چیست، متعلق به کدام ملیت و یا کدام مذهب باشم من یک زنم و یک انسان در قرن بیست و یک. سکینه یک زن است در قرن بیست و یک و نمیخواهد سنگسار شود. به این دلیل که او یک انسان است. مستقل از اینکه او مسلمان است یا نه.

من امروز اینجا آمده ام و میخواهم توضیح دهم اسلام سیاسی تروریست بود، ضد زن و ضد انسان بود و بطور مثال در ایران هزاران نفر را اینجا به قتل رساندند. صدها نفر را سنگسار کردند. و این سیاستها علیه حقوق انسانی و علیه آزادی است. ما باید یک نقطه پایان به این جنایات بگذاریم.

اسامه بن لادن یک چهره مهم در اسلام سیاسی بود اما اگر ما میخواهیم زنان را کمک کنیم اگر میخواهیم میلیونها انسان اسیر دست اینها را کمک کنیم اگر میخواهیم مردم منطقه خاورمیانه را کمک کنیم اگر میخواهیم انقلاباتی که نسل فیس بوک شروع کرده است را ببینیم، باید ببینیم که مردم در منطقه خاورمیانه، مردم در ایران و مصر و سودان اولین قربانیان این

جنبش سیاسی بودند.

ترور در افغانستان شروع شد، در ایران شروع شد و سنگساریک ترور است. اما در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ اسلامیهستها، غرب را نیز مورد حمله قرار دادند. و دول غربی دنبال این اسلامیهها هستند و سیاستهایی که اینها بکار میبرند مثلا حمله به عراق و جنگ در آنجا را به شدت تمام نقد میکنم.

من معتقدم ما باید علیه اسلام سیاسی مبارزه کنیم اما باید مردم و جنبش های انقلابی را کمک کرد که امروز در این مناطق سربلند کرده اند. مردم بیخاسته و علیه حکومتهاي دیکتاتور به خیابان آمده اند. چرا که ما فیس بوک داریم چرا که همه در یک دنیایی زندگی میکنیم که مرتبط با هم هستیم. چرا که حقوق انسانی جهانشمول است و حقوق زنان بخشی از حقوق بشر است.

من مطمئن هستم که اوباما و یا دولتهای اروپایی جنبش های مدرن سکولار و پیشرو و مدافع حقوق انسانی و حقوق زنان را کمک نخواهند کرد. نه، این بار مجدداً نیروهای ناسیونالیستی کمک خواهند گرفت.

در ایران و یا سودان ما همیشه این بازی پیچ پونگ

را داشتیم یا اسلامیهستها قدرت دارند و یا ناسیونالیستها و یا ملغمه ای از اینها جنبش های ناسیونالیست - اسلامی در قدرت هستند و نه سکولارها و نه مدافعين آزادي مطلق بیان و طرفداران برابري و آزادي.

من اکنون در برزیل هستم و میخواهم با دولت برزیل هم صحبت کنم. شما باید ما را کمک کنید. مردم را مدافعين حقوق زنان را شما باید نیروهایی را کمک کنید که اعلام میکنند نه به سنگسار نه به اعدام، از حقوق زنان باید دفاع کرد آزادي بيان مهم است زن و مرد برابرنند.

ساختن یک آینده بهتر امکان پذیر است.

این امکان پذیر است چرا که ما مردم بلند شده ایم در مصر و لیبی و در لبنان و در سوریه و ایران این یک جنبش است انقلاب علیه همه حکومتهاي دیکتاتور به هر اسمی که خودشان را می نامند حکومت اسلامی و یا غیره... این یک جنبش برای آینده و معطوف به آینده است برای آزادي و برابري من فکر میکنم شما باید ما را کمک کنید. ما کسانی که بسیار جنگیده ایم و بسیار ناملايمات را چشیده ایم. جنبش اسلامی یک جنبش تروریستی و ضد زن و ضد

انسانی است و استاندارد تعرض و نقض حقوق انسانی را بسیار بسیار پایین تر برد.

من از کشوري مي آيم که در خیابان و در ملاء عام انسانها را به دار میکشند و یا سنگسار میکنند از منطقه ای مي آيم که در مقابل دوربينها اسلامیهستها سر میبرند. و اینها همگی پایین بردن شدید استاندارد های انسانی است. با وجود همه این مسائل من بسیار امیدوارم. چرا که ما باهم ارتباط داریم چرا که انسانها میتوانند باهم تبادل نظر کنند چرا که اینترنت و فیس بوک به ما کمک میکند. و همه شما دیدید که مردم ایران با احمدی نژاد نیستند بلکه علیه احمدی نژاد مبارزه میکنند. پس کمک کنید که ما در کشورهای خودمان جنبش اسلامی و حکومتهاي اسلامی را سرنگون کنیم و حکومتهاي سکولار و مدافع حقوق انسانی و حقوق زنان و طرفدار آزادي و برابري بسازیم و زندگی کنیم.

فیلم سخنرانی

<http://sprend.com/download.jsp?FileId=dwHjJyLsw5Bxa uGD95yp>

**KANAL JADID**  
کانال جدید

**فرکانس تلویزیون کانال جدید**  
ماهواره یاه ست  
فرکانس : 11766  
پولاریزاسیون : عمودی  
سیمبل ریت : 27500  
اف ای سی : 5/6